

تحلیل موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی

زهرا جلالی

دانشجوی دکتری مدیریت (تطبیق و توسعه)، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران.

اکبر اعتباریان خوراسگانی

استاد گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). Dretbarian.khuisf@gmail.com

بدری شاه‌طالبی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران.

رضا ابراهیم‌زاده دستجردی

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: واکاوی موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی بود. **روش پژوهش:** از نوع توصیفی-تحلیلی و هدف، کاربردی بود. روش گردآوری داده‌ها میدانی و ابزار گردآوری، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود. **جامعه آماری:** مشارکت‌کنندگان از بین خبرگان موضوعی و علمی، در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت و مطالعات زنان بودند. پژوهش از نوع کیفی بود. **یافته‌ها و نتیجه پژوهش:** از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها ۵۳ کد اولیه، از دسته‌بندی و ادغام آنها ۱۱ متغیر نهایی استخراج گردید. روابط درونی متغیرها و تأثیر آنها بر یکدیگر با مدل‌سازی ساختاری تفسیری، بررسی شد. تکنیک ISM روی ۱۱ متغیر پژوهش پیاده‌سازی، ماتریس خود تعاملی ایجاد و معیارها سطح‌بندی گردیدند. معیار نیاز به اثبات خود (C3) از نوع وابسته و مابقی معیارها رابط بودند. معیار زنان تحت انقیاد ساختار (C7) تأثیرگذارترین معیار بود که روی موانع سیاسی و قانونی تأثیر گذاشت. حضور زنان در برنامه‌های توانمندسازی به دلیل تحت انقیاد ساختار بودن زنان دشوار و موانع سیاسی و قانونی باعث کاهش اعتماد به نفس زنان می‌شوند. موانع قانونی باعث محدود شدن دسترسی زنان به فرصت‌ها شده، آنها را از تحقق توانمندسازی خود باز می‌دارد.

کلید واژه‌ها: موانع، برنامه‌های توانمندسازی زنان، مشارکت اجتماعی، کارکنان.

مقدمه

پس از فروش و وجود منابع محدود زیر فشارهای زیادی قرار دارند. پس از سال‌ها تجربه، دنیا به این نتیجه رسیده است که اگر جامعه بخواهد در اقتصاد و امور کاری خود پیشتاز باشد و در عرصه رقابت عقب نماند، باید از نیروی انسانی متخصص، خلاق و باانگیزه بالا برخوردار باشد. منابع انسانی، اساس ثروت واقعی یک سازمان را تشکیل می‌دهند. بین سرمایه انسانی و بهره‌وری در سازمان‌ها رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (فعلی و همکاران، ۱۳۹۷).

تحقیقات انجام گرفته توسط دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد در کشورهای خاورمیانه، نشان می‌دهد حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مشارکت سیاسی آنان، نسبت به مردان پایین بوده است که از جمله یکی از عمده عوامل آن، نظام ارزش‌ها در کشورهای خاورمیانه و مهمتر از همه طرز نگرش جامعه و خود زنان نسبت به حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف، میزان حضورشان را تحت تاثیر قرار داده است (گلابی و حاجیلو، ۲۰۱۲).

برنامه‌های توانمندسازی، به عنوان یکی از روش‌های مهم در بهبود و توسعه حرفه‌ای کارکنان، در بسیاری از سازمان‌ها و نهادها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این برنامه‌ها به منظور ارتقای مهارت‌ها، دانش فنی و عملکرد کارکنان طراحی شده‌اند. اما در محیط‌های کاری، حضور زنان در برنامه‌های توانمندسازی به همراه خود موانعی را بوجود می‌آورد. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی و شناسایی موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی پرداخته است. یکی از موانع مهم در مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی، تعادل بین زندگی شخصی و حرفه‌ای است. زنان، به دلیل نقش‌های خانوادگی و مسئولیت‌های خاصی که علاوه بر کار حرفه‌ای بر عهده دارند، با مشکلاتی مانند تنش‌های زمانی و تضاد بین زمان مورد

یکی از ضرورت‌های نظام جامع برنامه‌ریزی، توانمندسازی زنان در جامعه است که هدف آن تبیین و توصیف مشارکت زنان در فرآیند توسعه یافتگی است (بادن، ۲۰۱۸). همچنین از مهم‌ترین دغدغه‌های محققان در حیطه توسعه، مسئله توانمندسازی زنان، به عنوان یکی از نیروهای اصلی در دستیابی به توسعه است. توانمندسازی زنان که توانمندسازی جنسیتی نیز نامیده می‌شود، تبدیل به یکی از موضوعات مهم مورد بحث در دو زمینه توسعه و اقتصاد شده است (مهدی‌پور و فراهانی، ۱۳۹۸). توانمندسازی زنان از جمله رهیافت‌هایی است، برای ارتقای قابلیت زنان، برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی که آنها را در موقعیت‌های فرودست و فرمانبردار قرار می‌دهد و مورد پذیرش اکثر صاحب نظران امر توسعه قرار گرفته است. این فرآیند به زنان کمک می‌کند تا دسترسی بیشتری به منابع و تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و به طور کلی بر زندگی خود نظارت بیشتری داشته باشند و به استقلال و خوداتکائی برسند (موامبی و همکاران، ۲۰۲۱).

توانمندسازی، عملی برای تقسیم اختیارات، دانش و پاداش‌ها با دیگران است. توانمندسازی باید افراد را در زمینه ابتکارعمل، تصمیم‌گیری و حل مشکلات توانمند کند. ایده توانمندسازی این است که دادن مهارت عمل، منابع، فرصت‌ها و مسئولیت‌ها به دیگران باعث رشد شغلی و افزایش رضایت در محیط کار خواهد شد. توانمندسازی به معنی کنترل محیط کار خود و استفاده از مهارت‌ها و استعدادها به شیوه‌ای است که به نفع شما و جامعه باشد؛ این امر به بهره‌وری بیشتر و نتایج مطلوب‌تری منجر می‌شود (چن چین، ۲۰۱۸).

بیان مسئله

جوامع امروز تحت تاثیر عواملی از قبیل افزایش رقابت جهانی، دگرگونی‌های ناگهانی، نیاز به کیفیت و خدمات

نیاز برای شرکت در برنامه‌های توانمندسازی و زمانی که برای خانواده خود نیاز دارند، روبه‌رو می‌شوند. علاوه بر این، یکی از دغدغه‌های اساسی زنان در برنامه‌های توانمندسازی، نبود حمایت و پشتیبانی کافی از سوی سازمان است. با توجه به اهمیت توانمندسازی زنان در جامعه، شناخت موانع و ارائه راهکارهای مناسب ضروری به نظر می‌رسد و شناسایی موانعی که زنان در حضور شغلی و مشارکت در برنامه‌های توانمندسازی با آنها روبرو می‌باشند بهبود و توسعه حرفه‌ای زنان را در این حوزه تسهیل می‌نماید. فهم دقیق این موانع و طراحی و اجرای برنامه‌ها می‌تواند به تقویت مشارکت اجتماعی زنان و دستیابی به اهداف اصلی برنامه‌های توانمندسازی کمک کند.

تاکید جوامع جهانی از جمله سازمان ملل بر اهمیت توانمندسازی زنان و همچنین خیز برداشتن کشورهای در حال توسعه و منطقه خاورمیانه در جهت افزایش مشارکت سیاسی زنان، بطوری‌که بنا به اظهار آرامش و همکاران (۱۳۹۹) عربستان که روزگاری سمبل تبعیض جنسیتی بوده است، به تازگی با ارائه برنامه جامع ۲۰۲۵ به سازمان ملل موفق شده است، جایگاه ۳۶ جهان را بدست آورد و امارات با کاهش شدید تبعیض جنسیتی و انتخاب ۹ وزیر زن، جایگاه اول خاورمیانه را بدست آورده است. احزاب ترکیه نیز سهمیه‌بندی کردند تا ۳۰٪ مناصب، باید در اختیار زنان باشد (آرامش و همکاران، ۱۳۹۹).

اهمیت و اهداف پژوهش

جمع‌بندی مطالب فوق نشان می‌دهد که مسأله توانمندسازی زنان، از نظر پژوهش‌گران و سازمان ملل و برخی از دولت‌ها، از جمله ضرورت‌های تحقق این هدف است. جستجوی محقق در بین تحقیقات داخلی و خارجی نشان داد که دو تحقیق داخلی و یک تحقیق خارجی، تا حدودی به تحقیق حاضر نزدیک هستند. تحقیقات داخلی مربوط به نصیری و همکاران ۱۳۹۸ با

موضوع «رویکرد جمهوری اسلامی ایران به توانمندسازی زنان در توسعه پایدار، تحت تاثیر سازمان‌های بین‌المللی انجام شد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۸). شمشیری و کشاورزی (۱۳۹۹). «الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی» انجام شد (شمشیری و کشاورزی، ۱۳۹۹). تحقیق خارجی مربوط به آیما (۲۰۲۱) تحت عنوان «آموزش توانمندسازی زنان و توسعه ملی در نیجریه» انجام شد (آیما، ۲۰۲۱). در تحقیق شمشیری و کشاورزی (۱۳۹۹) مسأله توانمندسازی عمومی، بدون جهت‌گیری خاص بوده است. در حالی‌که در تحقیق حاضر شناسایی دشواری حضور اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی مورد نظر است. در تحقیق آیما (۲۰۲۱) علاوه بر اینکه جامعه مورد مطالعه نیجریه است و بدیهی است که بین نیجریه و ایران تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود دارد، از طرفی هدف آن نیز، آموزش توانمندسازی به منظور توسعه ملی است که با تحقیق حاضر متفاوت می‌باشد. وو و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان "چالش‌های حضور اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی زنان: یک مرور سیستماتیک" انجام دادند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در برنامه‌های توانمندسازی، زنان با موانع متعددی در حضور اجتماعی مواجه می‌شوند. پژوهش نتیجه می‌گیرد که برای ارتقای حضور اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی، نیاز به تغییرات ساختاری و فرهنگی در جوامع و سازمان‌ها و همچنین ایجاد دسترسی به منابع و فرصت‌های برابر برای زنان است (وو و همکاران، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

زمانی (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند" انجام دادند. پژوهش به بررسی موضوعات مختلفی مانند تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران که بر توانمندسازی زنان

سیاسی، مدیریت و مطالعات زنان بودند.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی انجام شده است. در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته شد. برای شناسایی موانع توانمندسازی زنان، در نتیجه تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها ۵۳ کد اولیه و بعد از دسته بندی و ادغام ۱۱ متغیر نهایی استخراج گردید روابط درونی مقوله‌ها و تأثیر آنها بر یکدیگر با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، بررسی شد و سپس با استفاده از روش ISM به سطح‌بندی معیارهای پژوهش براساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پرداخته شد. در این مطالعه نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در ۱۱ متغیر استخراج شد و با تکمیل پرسش‌نامه مقایسات زوجی توسط خبرگان فرایند مدل‌سازی ساختاری تفسیری، سطوح مدل و نحوه ارتباطات میان ابعاد ترسیم و تحلیل شد. مشارکت‌کنندگان در روش ISM یک گروه از افراد هستند که دانش و تجربه مرتبط با سیستم مورد مطالعه را دارند و نظرات و دانش خود را درباره سیستم ارائه می‌دهند. این نظرات و دانش‌ها در فرایند تحلیل و بررسی سیستم مورد نظر، استفاده می‌شوند. تا الگوها و روابط مهم در سیستم شناسایی شوند. حجم نمونه در روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری بین ۵ تا ۲۵ نفر می‌تواند باشد. در تحقیق حاضر از مشارکت ۱۰ نفر از خبرگان موضوعی استفاده گردید. رویکرد ISM، روشی مبتنی بر نظر خبرگان است و روشی مؤثر و کارا برای موضوعاتی است که در آن متغیرهای کیفی، در سطوح متفاوت اهمیت، بر یکدیگر آثار متقابل دارند. با به کارگیری این فن، ارتباطات و وابستگی‌های بین متغیرهای کیفی مسئله را می‌توان یافت (رمضانیان و همکاران، ۲۰۱۴). ISM می‌تواند عناصر یک نظام را تعیین سطح و اولویت‌بندی کند؛ این امر به مدیران، برای اجرای بهتر مدل طراحی شده، کمک شایانی می‌کند. این

سرپرست خانوار تأثیر می‌گذارند، پرداخته است. عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، از جمله آموزش و مهارت‌آموزی، توانمندسازی اقتصادی، حمایت اجتماعی و دسترسی به خدمات را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند به فهم بهتری از وضعیت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران کمک کند (زمانی مقدم، افشانی، ۱۴۰۰).

جعفری (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان "مشارکت زنان در نقش‌های تصمیم‌گیری و مدیریت ورزش در ایران: پژوهشی آینده‌نگرانه" انجام دادند. پژوهش به بررسی و تحلیل وضعیت فعلی و موفقیت‌ها و موانع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت ورزش در ایران می‌پردازد. نتایج این پژوهش می‌تواند به فهم بهتری از وضعیت مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت ورزش در ایران کمک کند و به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثرتر برای افزایش مشارکت زنان در این حوزه کمک کند (جعفری و همکاران، ۲۰۲۰).

اهمیت توانمندسازی زنان و رفع دشواری‌ها و موانع پیش روی زنان در مسیر پیشرفت شغلی آنها، تا بالاترین سطح سازمان و تأثیرگذاری آنان بر عملکرد سازمان، مهم‌ترین دلیل برای توجه به پژوهش حاضر می‌باشد. در این راستا سوال کلی تحقیق این گونه مطرح می‌گردد که موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی کدامند؟

روش پژوهش

لایه فلسفی پژوهش، نشان‌دهنده جهان‌بینی و نوع نگاه پژوهشگر به جهان است. پایه و اساس این پژوهش براساس پارادایم تفسیری است. جهت‌گیری پژوهش کاربردی است. چون نتایج پژوهش می‌تواند تأثیر بسزایی در سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و خط‌مشی‌های آموزشی داشته باشد. این مطالعه از نظر روش گردآوری داده‌ها میدانی است. مشارکت‌کنندگان از بین خبرگان موضوعی و علمی، در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم

روش، ترتیب و جهت روابط پیچیده، میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند. به بیان دیگر، ابزاری است که گروه می‌تواند به وسیله آن بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کند (آذر و بیات، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، برای تعیین روابط مفهومی میان شاخص‌ها از نظر خبرگان استفاده گردید و رابطه منطقی، زیربنای نظرات خبرگان درباره ارتباطات مفهومی بین شاخص‌ها قرار گرفت.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

تحصیلات		جنسیت		مشارکت کنندگان
کارشناسی ارشد	دکتری	زن	مرد	
۰	۱۰ نفر	۷ نفر	۳ نفر	خبرگان
۱۰		۱۰		جمع

با توجه به جدول (۱)، ۳۰ درصد از پاسخ دهندگان مرد و ۷۰ درصد زن و تمامی پاسخ‌دهندگان دارای مدرک دکتری تخصصی هستند. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده از مصاحبه‌ها و ادغام کدها در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده از مصاحبه‌ها و ادغام کدها

مفاهیم	کدهای استخراج شده
حضور کم‌رنگ زنان در رأس هرم قدرت	حضور کم‌رنگ زنان در عرصه عمومی
دور بودن زنان از حوزه عمومی	
حضور کم‌رنگ زنان در حوزه‌های عمومی	
تحت فشار اجتماعی بودن زنان در بعد جنسیتی	
نادیده گرفته شدن زنان در حوزه سیاسی	
از دست دادن اعتماد به نفس زنان در نتیجه عدم مشارکت	ضعف در اعتماد به نفس و باورها
عدم مطالبه‌گری زنان به دلیل عدم اعتماد به نفس و جرأت‌ورزی	
عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان و دختران	
پررنگ بودن نقش جامعه در ضعف زنان	
از دست دادن اعتماد بنفوس کافی در زنان	نیاز زنان به اثبات توانمندی‌های خود
تلاش مضاعف زنان در رسیدن به جایگاه برابر با مردان	
اثبات مداوم شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها توسط زنان	بازتولید ارزش‌های مردسالارانه
نگاه مردان به زنان به عنوان موجودات احساسی	
ترویج نقش‌های جنسیتی تقسیم‌کاری براساس جنسیت	
ترویج ایدئولوژی‌های تقویت‌کننده نقش مرد در جامعه	
ترویج استفاده از قدرت و کنترل بر دیگران	
ترویج نگرش‌ها و اعتقادات محور مردانه	نگاه سطحی به زنان
ترویج اعمال تبعیض‌آمیز و نابرابری بین جنسیت‌ها	
تعصب جنسیتی:	
شکل‌گیری تصورات نادرست	
تبلیغات نادرست	
نقش‌های اجتماعی تقسیم شده	

عدم احترام به حقوق زنان	زنان تحت انقیاد ساختار
بی‌سازمانی زنان	
فقدان نقش زنان در توسعه سیاسی به واسطه وابستگی اقتصادی	
وابستگی استقلال زنان به ساختار قدرت	
فقدان توانایی زنان در اثرگذاری بر ساختار مذکر	
تاثیرپذیری زنان از ساختار	موانع سیاسی
وجود ضعف شدید زنان در توسعه سیاسی و اقتصادی به دلیل شغل‌های خرده پا	
حضور نمادین و صوری زنان در مجلس قانون گذاری	
فقدان مشارکت‌های سیاسی گسترده برای زنان	
مشارکت زنان محدود به انتخابات	
زن به عنوان اهرم بقا و تولید مثل	موانع اقتصادی شغلی و کاری
احساس منفی زنان نسبت به مشارکت و رقابت در حوزه عمومی	
دیدگاه شعار گونه نسبت به نقش زنان در توسعه	
نبود امکان احراز پست‌های حساس برای زنان علاوه بر مشارکت بالای آنان	
چالش حضور زنان در ساختار قدرت به لحاظ ابهام در قوانین بالادستی	
ناتوانی قانون در حمایت از زنان	موانع فرهنگی و عرفی
فقدان قدرت اقتصادی زنان	
فقدان استقلال مالی زنان	
نادیده گرفتن پتانسیل اقتصادی زنان	
وجود ضعف شدید زنان در توسعه سیاسی و اقتصادی به دلیل شغل‌های خرده پا	
فقدان وجود شغل برای زنان پس از تحصیلات	موانع قانونی
سنت، فرهنگ مردسالار و تبعیض جنسیتی جزء موانع فرهنگی در جامعه	
موانع فردی، جنسیتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایفای نقش زنان در توسعه	
موانع سنت‌های فرهنگی، اجتماعی جهت حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی	
موانع فرهنگی، ریشه در باورها و نگرش جامعه نسبت به حضور زنان در عرصه‌های عمومی	
فرودست جلوه دادن زنان در ابعاد مختلف	موانع قانونی
عرف جامعه به عنوان مانعی برای رشد زنان	
تضاد در قوانین	
عدم حمایت قانونی	
عدم اجرای قوانین مرتبط با حقوق زنان	
قوانین تبعیض‌آمیز در زمینه حقوق زنان	

در این قسمت متغیرهای پژوهش جهت قرار گرفتن
در ماتریس مقایسات زوجی به شرح جدول (۳)

جدول ۳- معرفی عوامل پژوهش

کد	نام معیار
C1	حضور کم‌رنگ زنان در عرصه عمومی
C2	ضعف در اعتماد به نفس و باورها

کد	نام معیار
C3	نیاز به اثبات خود
C4	بازتولید ارزش‌های مردسالارانه
C5	کنش‌ها و احساسات زنان علیه یکدیگر
C6	نگاه‌های سطحی به زنان
C7	زنان تحت انقیاد ساختار
C8	موانع سیاسی
C9	موانع قانونی
C10	موانع اقتصادی، شغلی و کاری
C11	موانع فرهنگی و عرفی

جهت ترسیم مدل مراحل به شرح زیر انجام شد. ابتدا جهت تشکیل ماتریس تعامل ساختاری، یک ماتریس یازده در یازده شامل شاخص‌ها، تشکیل و در اختیار خبرگان قرار داده شد. اعضا بر اساس اصول زیر ماتریس‌ها را تکمیل نمودند.

متغیر V: اگر معیار سطح بر ستون تاثیر بگذارد.
 متغیر A: اگر معیار ستون بر معیار سطر تاثیر بگذارد.
 متغیر X: اگر هر دو معیار بر روی یکدیگر تاثیر متقابل داشته باشد.
 متغیر O: اگر هیچکدام از معیارها بر روی یکدیگر تاثیر نگذارند.

گام‌های مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)

۱- تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM): مقوله‌های شناسایی شده وارد ماتریس خود تعاملی ساختاری می‌شوند. این ماتریس از ابعاد مقوله‌ها و مقایسه آنها تشکیل شده است. برای تعیین نوع رابطه میان مقوله‌ها در این ماتریس، از روابط X, V, O و A استفاده می‌شود.

۲- تشکیل ماتریس دستیابی اولیه (RM): این ماتریس نمادهای روابط ماتریس SSIM را به اعداد صفر و یک تبدیل می‌کند.

جدول ۴- نحوه تبدیل روابط مفهومی به اعداد (تاکار و همکاران ۲۰۰۷)

نماد مفهومی	i به j	j به i
V	۱	۰
A	۰	۱
X	۱	۱
O	۰	۰

۳- تشکیل ماتریس دستیابی نهایی: این ماتریس با اعمال روابط تعدی موجود در بین متغیرها تشکیل می‌شود. در این ماتریس روابط ثانویه بین ابعاد شاخص‌ها کنترل می‌شود. رابطه ثانویه به صورتی است که اگر مثلاً I به J و J به K منجر شود، پس بعد آن I به K منجر خواهد شد و اگر در ماتریس دست یابی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح و روابطی که از

قلم افتاده جایگزین شود. بدین ترتیب برخی از عناصر صفر تبدیل به یک خواهد شد که به صورت نشان داده می‌شود. با شناسایی روابط ثانویه و اصلاح ماتریس دریافتی، ماتریس نهایی به دست می‌آید.

۴- تعیین سطح و اولویت متغیرها: پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش نیاز برای هر عنصر و تعیین مجموعه مشترک، سطح‌بندی متغیرها انجام

۴- اگر شاخص ستون Z منجر به شاخص سطر i شود (شاخص ستون Z بر روی شاخص سطر i تاثیر بگذارد). در این بخش تکنیک ISM بر روی یازده متغیر پژوهش پیاده‌سازی شد. ابتدا ماتریس خود تعاملی ایجاد گردید. در ماتریس خود تعاملی از نمادهایی استفاده می‌شود. برای استخراج این ماتریس از نظر خبرگان استفاده شده که در جدول چهار ملاحظه می‌شود. سپس براساس جدول ۵ ماتریس دستیابی اولیه براساس اعداد صفر و یک تشکیل گردید و سپس روابط تعدی ایجاد شده و ماتریس دستیابی نهایی تشکیل شد که در جدول ۵ آورده شده است. تمام درایه‌هایی که در این جدول 1^* هستند در ماتریس اولیه مقدار صفر داشته‌اند. سپس از روی ماتریس دستیابی نهایی، براساس گام چهارم، مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز استخراج شده و معیارها سطح‌بندی شدند.

می‌شود. مجموعه دستیابی برای هر عنصر، مجموعه‌ای است که در آن سطرهای ماتریس دستیابی نهایی به صورت ۱ ظاهر شده باشند و مجموعه پیش‌نیاز، مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها به صورت ۱ ظاهر شده باشند. با به دست آوردن اشتراک این دو مجموعه، مجموعه مشترک به دست خواهد آمد. عناصری که در آنها مجموعه مشترک با مجموعه دستیابی یکسان است، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این عناصر و تکرار این مرحله برای سایر عناصر، سطح تمام عناصر تعیین می‌شود.

- ۱- اگر شاخص سطر i منجر به شاخص ستون Z شود (شاخص سطر i بر روی شاخص ستون Z تاثیر بگذارد).
- ۲- اگر رابطه بین شاخص سطر i و ستون Z دو طرفه باشد (هر دو روی هم تاثیر بگذارند).
- ۳- اگر بین شاخص سطر i و ستون Z رابطه‌ای نباشد (هیچکدام بر روی هم تاثیر نگذارند).

جدول ۵- ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11
C1		X	A	V	A	X	A	A	A	A	A
C2			V	X	O	A	A	A	A	X	A
C3				A	O	A	A	A	A	A	A
C4					A	V	V	V	V	V	X
C5						V	O	A	O	V	X
C6							A	X	A	V	X
C7								V	V	V	X
C8									X	V	V
C9										V	O
C10											X

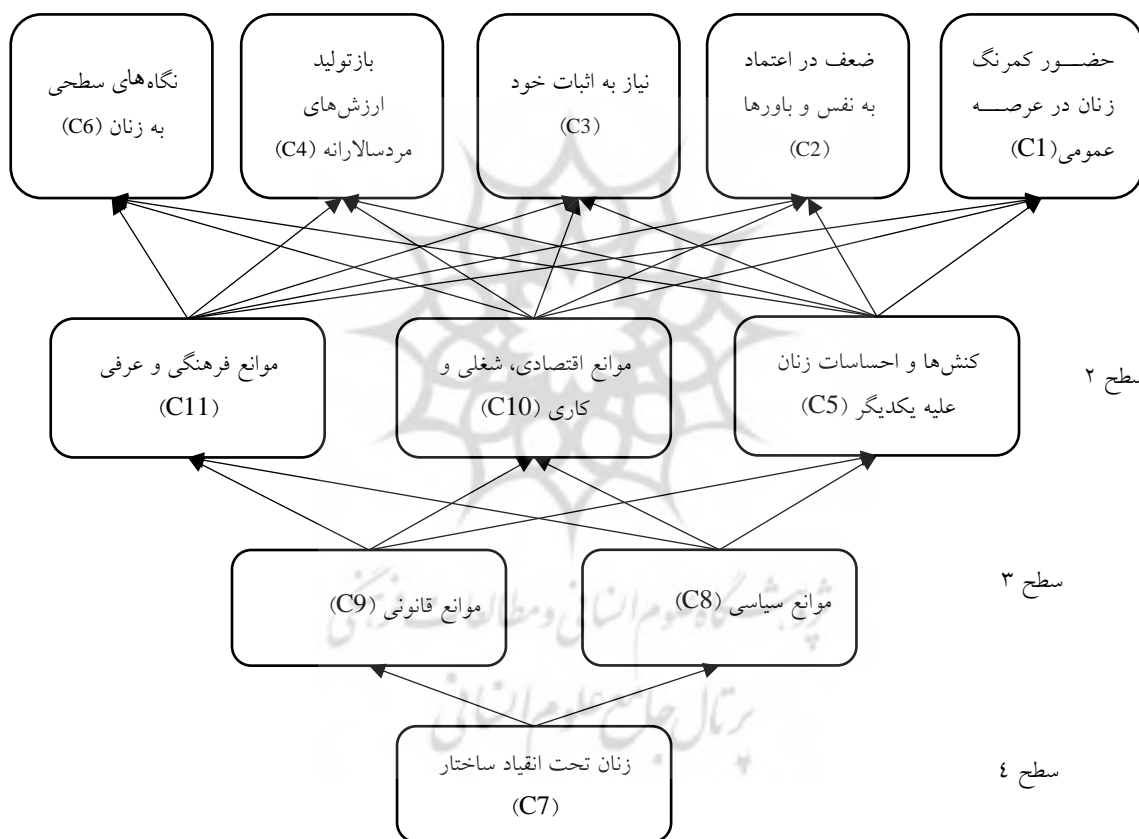
جدول ۶- ماتریس دستیابی نهایی

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	قدرت نفوذ
C1	۱	۱	۱*	۱	۰	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱۰
C2	۱	۱	۱	۱	۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱۰
C3	۱	۱*	۱	۱*	۰	۱*	۰	۰	۰	۰	۰	۵
C4	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
C5	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱۱
C6	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱۱

C7	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
C8	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱۱
C9	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۰	۱	۱	۱	۱*	۱۰
C10	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۰	۰	۱	۱	۹
C11	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱۱
میزان وابستگی	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۸	۱۱	۹	۹	۹	۱۰	۱۰	

۵. ترسیم مدل ساختاری تفسیری: این مدل براساس ماتریس دست یابی نهایی و سطوح تعیین شده ترسیم می‌شود.

سطح ۱



شکل ۱- مدل ساختاری تفسیری

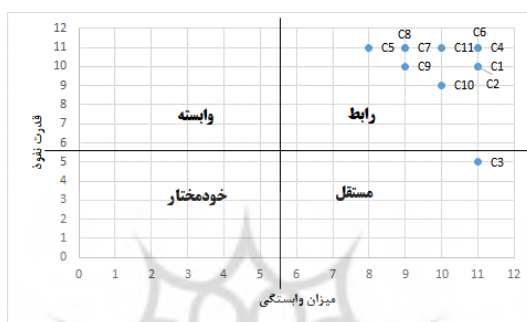
خود مختارند که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و تا حدودی از سایر عوامل مجزا هستند. گروه دوم عوامل وابسته‌اند که قدرت نفوذ ضعیف، اما وابستگی بالایی دارند. گروه سوم شامل عوامل متصل‌اند که قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند؛ در واقع، هرگونه عملی روی این عوامل موجب تغییر سایر عوامل می‌شود. گروه

۶. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی (روش میک مک): جمع سطری مقادیر در ماتریس دست یابی نهایی برای هر عنصر، بیانگر میزان نفوذ و جمع ستونی، نشان دهنده میزان وابستگی خواهد بود. براساس این دو عامل، چهار گروه از عناصر قابل شناسایی خواهد بود: عوامل خود مختار، وابسته، متصل و مستقل. گروه اول عوامل

معیار نیاز به اثبات خود (C3) از نوع وابسته است این متغیرها دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند. این متغیرها اصولاً تاثیرپذیری بالا و تاثیرگذاری کمی روی سیستم دارند. مابقی معیارها از نوع رابط هستند این متغیرها از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند. به عبارتی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می‌شود.

چهارم عوامل مستقل‌اند که از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند و در اصطلاح عوامل کلیدی خوانده می‌شوند. عوامل کلیدی در یکی از دو گروه مستقل یا متصل قرار می‌گیرند

تحلیل شدت نفوذ و وابستگی (MICMAC): با استفاده از شدت نفوذ و وابستگی هریک از مقوله‌ها (جدول ۶)، می‌توان به گروه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل میک مک پرداخت. بر این اساس تنها



شکل ۲- نمودار قدرت نفوذ و وابستگی

در برنامه توانمندسازی می‌تواند به دلیل تحت انقیاد بودن زنان تحت ساختارهای قدرتمند و تبعیض‌آمیز باشد. این ساختارها شامل موانع سیاسی و قانونی می‌باشند که تاثیر بسزایی در دسترسی زنان به منابع، فرصت‌ها و قدرت دارند. موانع سیاسی شامل عدم استفاده از حضور زنان در هرم تصمیم‌گیری، عدم استفاده از حضور زنان در سازمان‌ها و نهادهای قدرتمند، و عدم پشتیبانی سیاسی برای توسعه و ترویج حقوق زنان می‌باشد. این موانع باعث کاهش اعتماد به نفس و باور زنان می‌گردد و آنها را از شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و توسعه قدرت خود باز می‌دارد. موانع قانونی نیز شامل قوانین تبعیض‌آمیز و ناعادلانه در زمینه حقوق زنان، عدم حمایت قانونی برای ترویج و توسعه حقوق زنان، و عدم اجرای قوانین مرتبط با حقوق زنان می‌باشند. این موانع باعث محدود شدن دسترسی زنان به منابع و فرصت‌ها می‌شود و آنها را از تحقق قدرت و توانمندسازی خود باز می‌دارد. براساس مدل ISM ۵ معیار نگاه‌های سطحی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله تلاش شده موانع مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی مورد بررسی قرار گرفته و برخی عوامل پراهمیت در این زمینه واکاوی شوند. به اعتقاد گوتیریز و همکاران (۱۳۹۶)، توانمندسازی زنان متضمن آزادسازی نیرو و انرژی زنان است. از نظر آنان، توانمندسازی زنان عبارت است از بیان حقیقت زندگی با صدای خود و کار جمعی برای ایجاد امکان بالقوه برای همه می‌باشد (گوتیریز و همکاران، ۱۳۹۶). در این پژوهش بدنبال مرحله کیفی که با مصاحبه هدفمند بدست آمد، با مشخص شدن سطوح هریک از شاخص‌ها و با در نظر گرفتن ماتریس دست‌یابی نهایی، مدل ساختاری تفسیری ترسیم شد. مدل نهایی در شکل ۱ مشاهده می‌شود. این مدل از ۴ سطح تشکیل شده است. معیار زنان تحت انقیاد ساختار (C7) تاثیرگذارترین معیار است که به صورت مستقیم بر روی موانع سیاسی و قانونی تاثیر می‌گذارد. موانع مشارکت اجتماعی زنان

منابع

- به زنان (C6)، بازتولید ارزش‌های مردسالارانه (C4)، نیاز به اثبات خود (C3)، ضعف در اعتماد به نفس و باورها (C2)، حضور کم‌رنگ زنان در عرصه عمومی (C1) که در سطح اول می‌باشند، جزو معیارهای تاثیرپذیر هستند که به صورت مستقیم از موانع فرهنگی و عرفی (C11)، موانع اقتصادی، شغلی و کاری (C10) و کنش‌ها و احساسات زنان علیه یکدیگر (C5) تاثیر می‌پذیرند. با توجه به این نتایج، لازم است تا جامعه و ساختارهای قدرتمند تغییر کنند و برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان را تضمین نمایند تا مشارکت اجتماعی زنان در برنامه‌های توانمندسازی افزایش یابد. معیار زنان تحت انقیاد ساختار (C7): تاثیرگذارترین معیار است که روی موانع سیاسی و قانونی تاثیر می‌گذارد. موانع حضور زنان در برنامه توانمندسازی به دلیل تحت انقیاد ساختار بودن زنان می‌باشد که شامل موانع سیاسی و قانونی است که تاثیر بسزایی در دسترسی زنان به منابع، فرصت‌ها و قدرت دارند و باعث کاهش اعتماد به نفس زنان می‌شوند. برای کاهش تاثیر این موانع، پیشنهاد کاربردی عبارت است از:
- تغییر قوانین و سیاست‌ها: برای ترویج حقوق زنان و کاهش تبعیض جنسیتی، لازم است قوانین و سیاست‌ها به گونه‌ای تغییر کنند که تضمین کننده حقوق زنان باشند و تساوی فرصت‌ها را به ارمغان بیاورند.
 - افزایش حضور زنان در هرم تصمیم‌گیری: برای افزایش حضور زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، باید زنان را تشویق کرد و فرصت‌های لازم برای شرکت در این فرآیندها را فراهم نمود.
 - آموزش و توانمندسازی: برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای زنان می‌توانند به افزایش اعتماد به نفس و قدرت زنان کمک کنند و آنها را برای شرکت در برنامه‌های توانمندسازی و تحقق هدف‌های خود آماده کنند.
- آذر، عادل و بیات، کریم (۱۳۸۷). طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، شماره ۱.
- آرامش ح، رس ف، کشاورز س (۱۳۹۹). اثربخشی کارآفرینی اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی مورد: مناطق حاشیه‌نشین چابهار. اقتصاد فضا و توسعه روستایی.
- رمضانیان، م ر، مرادی، م و سلطانی، ف (۱۳۹۴). تحلیل موانع تعامل پذیری فرهنگی در زنجیره تأمین صنعت خودرو با به کارگیری رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM)، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- زمانی مقدم، م، افشانی س ع ر (۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند. رفاه اجتماعی.
- جعفری الهه، شریفی فر، علم س (۲۰۲۰). آینده پژوهی مشارکت زنان در نقش تصمیم‌گیری و مدیریت ورزش در ایران. مطالعات راهبردی جوانان و ورزش.
- فعلی ج، گرجی کرسامی، ع، پایروند م. ه (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان شهرداری ساری. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی.
- کشاورزی ف، شمشیری، ب (۱۳۹۹). الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی: یک پژوهش ترکیبی. زن در توسعه و سیاست.
- گلابی ف، حاجیلوف (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی میزان مشارکت سیاسی زنان و برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان آذربایجان شرقی). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران.
- مهدی‌پور آ، فراهانی م (۱۳۹۸). بررسی رابطه علی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دولت‌های سازندگی و

Journal of Public Personnel Management, Washington.

Gutierrez LA, Parsons RJ, Cox A (1396). Empowerment in social work. Translation: Disclosure of genealogy and lineage. Elhiari, Tehran: Danje Publishing; 8936.

Mwambi MM, Bijman J, Galie A (2021). The effect of membership in producer organizations on women's empowerment: Evidence from Kenya. Women's Studies International Forum. 87:102470.

Thakkar, J, Deshmukh, S, Gupta, A and Shankar, R (2007). Development of a balanced scorecard: An integrated approach of Interpretive Structural Modeling (ISM) and Analytic Network Process (ANP), International Journal of Productivity and Performance Management, Vol. 56 No. 1.

Wu J, Li Y, Zhang D (2019). Identifying women's entrepreneurial barriers and empowering female entrepreneurship worldwide: a fuzzy-set QCA approach. International Entrepreneurship and Management Journal.

اصلاحات). مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل.

نصیری، س، ذاکریان، م طاهری، اق (۱۳۹۸). رویکرد جمهوری اسلامی ایران به توانمندسازی زنان در حوزه‌های توسعه پایدار تحت تاثیر سازمان‌های بین‌المللی (مطالعه موردی یونسکو). رهیافت انقلاب اسلامی.

Aimua EP.(2021). Education, Women Empowerment and National Development in Nigeria. Asian Research Journal of Arts & Social Sciences.

Baden S (2018). Women's collective action in African agricultural markets: the limits of current development practice for rural women's empowerment Gender & Development.

Chen Fang H, Ching Chen Yi (2018). The Impact of Work Redesign and Psychological Empowerment on Organizational Commitment in a Changing Environment: An Example from Taiwan's State-Owned Enterprises.

